

کوردستان

ارگان حزب دموکرات کوردستان ایران

www.kurdistanmedia.com

شماره ۸۳۳ | شنبه ۳۰ مهر ۱۴۰۱ _ ۲۲ اکتبر ۲۰۲۲

تأمین حقوق ملی خلق کورد در چهارچوب ایرانی دموکراتیک و فدرال



مصطفی هجری انتخاب لطیف رشید را به عنوان رییس جمهور عراق تبریک گفت «مصطفی هجری»، مسئول مرکز اجرایی حزب دموکرات کوردستان ایران طی پیامی انتخاب دکتر «لطیف رشید» را به ریاست جمهوری عراق تبریک گفت.

متن پیام به شرح زیر است:

جناب دکتر «لطیف رشید» رییس جمهور عراق فدرال با عرض سلامی گرم!

به نمایندگی از حزب دموکرات کوردستان ایران انتخاب شما را به عنوان رییس جمهور عراق تبریک می‌گویم و امیدوارم در این وضعیت حساسی که عراق و عراقی‌ها در آن قرار دارند، در انجام وظایفشان موفق باشید.

ضمن احترام دوباره

حزب دموکرات کوردستان ایران

مسئول مرکز اجرایی

مصطفی هجری

۲۳/ ۷/ ۱۴۰۱ خورشیدی

باور به پیروزی

اعتصاب و اعتراض سلاح معترضان خیابان

تاکنون در کوردستان بیش از ۳۵ معترض کشته شده‌اند

بر اساس آخرین آمار آژانس حقوق بشری کوردپا، از روز ۲۶ شهریورماه تا ۲۲ مهرماه، ۳۵ معترض کورد به سیاستهای رژیم ایران کشته شدند. در گزارش کوردپا آمده که شمار کشته شدگان ۳۵ نفر بوده که ۶ نفر از آنان زیر ۱۸ سال سن داشتند. این اعتراضات گسترده به دنبال فراخوان احزاب سیاسی و جامعه مدنی کوردستان جهت اعتصابات گسترده در کوردستان آغاز و تاکنون به بسیاری از شهرهای ایران نیز کشیده شده است. در آخرین آمار کوردپا آمده: تاکنون شهرهای کوردستان ایران از جمله: سقز، سنه، مریوان، دیواندره، پیرانشهر، مهاباد، دهگلان، بوکان، بانه، کامیاران، بیجار، ایلام، کرماشان، قروه، نقده، ارومیه، پاوه، ربط، سردشت، جوانرود، ثلاث باباجانی، اشنویه، اسلام‌آباد غرب، آبدانان و ... صحنه اعتراضات بوده‌اند. در گزارش منتشره کورپا تاکید شده که تنها اسامی تعدادی از معترضان که به دنبال شدت جراحات که به بیمارستان شهرهای بزرگ منتقل شده‌اند، احراز شده اما آمار زخمی‌شدگان بسیار بالاتر است و اکثر معترضان از بیم بازداشت از مراجعه به مراکز درمانی خودداری می‌کنند. درحالیکه شمار زخمی‌شدگان در کوردستان به صدها تن می‌رسد. کوردپا همچنین آورده که اسامی بیش از ۴۵۸ بازداشت شده محرز گشته که بیش از ۵۰ تن از آنان زن هستند. آمار بازداشت‌شدگان نیز در تمامی شهرها بسیار بالا رفته است و در برخی شهرها به بیش از ۱۰۰ تن رسیده است.



اتحاد و هم‌صدایی حول شعار "زن، زندگی، آزادی" وجود دارد که موجب گشته است ملیتها و تشکلهای گوناگون جامعهی ایران بدون آنکه ترسی از اذیت دادن خواستههای سیاسی یا اجندای سیاسی خود داشته باشند، این شعار را از آن خود بدانند. این بدین معنا نیست که کوردها یا دیگر تشکلهای این جامعه به خواستههای اتنیکی و سیاسی خود پشت کنند. این مرحله به یک هم‌صدایی و فرم تازه‌ای از سیاست ورزی و تعامل نیاز دارد که بتواند هم در سطح یک گفتمان گسترده و با همهی تشکلهای سیاسی و اتنیکی گسترش یابد و هم بتواند پرچم خواستههای عادی را هم در اهتزاز نگه دارد.



بیش از ۸۰ هزار ایرانی حمایت خود را از اعتراضات سراسری ابراز کردند

در ادامه اعتراض‌های ضد حکومتی، روز شنبه ۳۰ مهر، ده‌ها هزار نفر از کوردستانیان و ایرانیان از سراسر جهان در شهر برلین، پایتخت آلمان دست به تظاهرات زدند و شعارهای علیه جمهوری اسلامی سر دادند. خبرگزاری فرانسه به نقل از یک سخنگوی پولیس برلین گزارش داد حدود ۸۰ هزار نفر در این تجمع بزرگ شرکت کردند.

این تظاهرات به فراخوان حامد اسماعیلیون، سخنگوی انجمن خانواده‌های قربانیان هواپیمای اوکراینی و حمایت مرکز همکاری احزاب کوردستان ایران و شماری از فعالین و سازمانهای سیاسی اپوزیسیون رژیم ایران برگزار شد.

در صف اول تظاهرات سراسری در برلین خانواده جان‌باختگان هواپیمای اوکراینی حضور داشتند و دست یکدیگر را به نشانه اتحاد گرفتند. بر اساس گزارشات، معترضان با به اهتزاز در آوردن پرچم‌های خود از جمله پرچم کوردستان، بلوچتان و دیگر ملیت و تنوعات، اتحاد و همبستگی خود را به رخ جهانیان و به ویژه رژیم ایران کشیدند و گفتند: همه با هم ایران فردا را بنیاد خواهیم نهاد. طبق گزارش‌ها، شماری از اوکراینی‌ها نیز در این راهپیمایی گسترده شرکت کردند.

سوران علیپور ص ۷



پیام مسئول مرکز اجرایی حزب دموکرات کوردستان ایران پیرامون آتش‌سوزی مشکوک زندان اوین

مردم حق‌طلب ایران و کوردستان خانواده زندانیان سیاسی چند روز از آتش‌سوزی مشکوک زندان اوین می‌گذرد، رویدادی که در میانه اوج انزجار عمومی در کف خیابان‌ها و موج خروشان خشم انباشته مردم علیه رژیم جنایت و ترور، توجه

افکار عمومی، سازمان و مجامع بشردوستانه جهان را به خود جلب کرد. زندان اوین از سویی نماد مقاومت و اراده شکست‌ناپذیر هزاران مبارز شجاع ملیت‌های ایران است، و از طرفی دیگر جلوه‌ای از تداوم سیاست کشتار و شکنجه رژیم مرگ و تاریکی است. اگرچه تا این لحظه ابعاد مختلف این واقعه به صورت کامل بر ما روشن نشده، با این حال تردیدی در ذات توطئه‌گری و میل به خلق بحران و جنایت این رژیم وجود ندارد.

این فاجعه می‌تواند زمینه‌ساز وقوع دوباره کشتارهای دهه شصت و جنایات مشابهی باشد که رژیم در گذشته مرتکب شده است؛ بنابراین باید با حساسیت کامل به آن بنگریم. به یاد داشته باشیم که با توجه به سرکوب‌های شدید یک ماه گذشته و بازداشت و شکنجه هزاران مبارز آزادی‌خواه، امکان اقدام رژیم در جهت ناپدیدسازی قهری، کشتار دسته‌جمعی و انتقام از مبارزان بیش از گذشته احساس می‌شود.

هدف نهایی مردم آزادی‌خواه کوردستان و ایران سرنگونی و برچیدن تمامیت و کلیت جمهوری اسلامی است و به همین منظور نیز، خیابان‌ها را همچون دژی مستحکم در دست گرفته‌اند. در برهه کنونی، سر دادن شعار آزادی زندانیان سیاسی و برجسته کردن نمادهای ایستادگی و مبارزه ضروری به نظر می‌رسد. یقین داریم مردم آزادی‌خواه، به موازات مبارزه پیگیر، فرزندان راستین خود در زندان‌ها را فراموش نکرده و از وقوع دوباره فجایع گذشته

مرکز همکاری:

با اعتصاب عمومی و اعتراض

جوابی دندان‌شکن به عاملین

کشتار مردم ایران و قاتلان

کودکان و زندانیان اوین خواهیم



ناوهندی هاوکاری حیزه‌کانی کوردستانی ئێران

Cooperation Center of Iranian Kurdistan's Political Parties.

مرکز همکاری احزاب کوردستان ایران

مرکز همکاری احزاب کوردستان ایران با انتشار بیانی‌های پشتیبانی خود از فراخوان گردهمایی شنبه ۲۲ اکتبر در برلین را اعلام کرده و گفته است که اعتراضات عمومی سراسری کماکان ادامه خواهند یافت.

متن بیانیه:

مردم مبارز ایران!

ایرانیان خارج کشور!

در آغاز دومین ماه خیزش مردمی برعلیه حاکمیت و کل نظام جمهوری اسلامی، رژیم با قساوتی بیش از پیش به سیاست سرکوب وحشیانه و تکرار جنایت کشتار کودکان سرزمین ما، ادامه میدهد.

از سوی دیگر خیزش مردمی نه تنها در داخل ایران همبستگی عظیمی را فراهم نموده است، بلکه ایرانیان در خارج کشور نیز علیرغم تفاوت‌های سیاسی، فرهنگی و زبانی همبسته با مبارزات مردم ایران به طور بی‌سابقه‌ای به میدان آمده و حمایت وسیع مردم جهان را جلب نموده‌اند. شنبه آینده، ۲۲ اکتبر ماه، اولین شنبه دومین ماه خیزش مردمی همه‌ی مردم ایران در سراسر جهان با عزم و اراده‌ای همبسته‌تر از پیش تصمیم به نمایش اعتراضی پرشکوه گرفته‌اند.

آقای حامد اسماعیلون، سخنگوی انجمن خانواده قربانیان پرواز هواپیمای اوکراینی، این بار همایشی اعتراضی در برلین آلمان را فراخوان داده‌اند. ما از این فراخوان و شرکت وسیع در آن پشتیبانی میکنیم و از همه ایرانیان، بخصوص کوردهای مقیم آلمان و اروپا درخواست می‌نماییم وسیعا در نمایش همبستگی و اعتراض برلن شرکت نمایند.

هم چنین از همه مردم در سراسر ایران و جریانات سیاسی و کنشگران درخواست میکنیم که در همان روز از ساعت ۱۲ ظهر به بعد به اعتصاب عمومی و اعتراض بپردازند تا جوابی دندان شکن به عاملین کشتار مردم ایران و قاتلان کودکان و زندانیان اوین داده باشیم. درخواست میکنیم همه جریانات سیاسی سرنگون خواه دیگر نیز همراه با ما فراخوان دهنده این حرکت و اعتراض عمومی در سراسر ایران باشند تا نه بزرگ دیگری به جمهوری اسلامی گفته باشیم.

زن، زندگی، آزادی

پرخروش باد خیزش دمکراسیخواهی در ایران

مرگ بر جمهوری اسلامی و قوانین زن ستیز و آپارتاید جنسی

مرکز همکاری احزاب کوردستان ایران

۱۸ اکتبر ۲۰۲۲ برابر با ۲۶ مهرماه ۱۴۰۱

نیروهای نیابتی دیروز، سرکوبگران امروز



جمهوری اسلامی از این نیروها در مقاطع مختلف، در راستای تامین مصالح خود استفاده کرده است. نیروهای حماس و حزب الله لبنان را علیه اسرائیل بکار گرفته است. در جنگ سوریه از شیعیان افغان، نیروهای حشد الشعبی شیعیان عراق و حزب الله لبنان استفاده کرده است. همچنین، جنگ با عربستان سعودی و حمله به تاسیسات نفتی آرمکو را از طریق حوثی‌های یمن به انجام رساند. منابع آموزشی، مالی و تسلیحاتی این گروه‌ها توسط جمهوری اسلامی تامین می‌شود و خود این گروه‌ها نیز، این امر را کتمان نمی‌کنند. در مقابل، این گروه‌ها به ابزاری برای سیاست‌های برون مرزی جمهوری اسلامی در منطقه تبدیل شده‌اند و جمهوری اسلامی، کشمکش‌های خود را با عربستان سعودی، اسرائیل، آمریکا و... از طریق این نیروهای نیابتی پیش برده است و هیچ وقت نتوانسته خود بصورت علنی با این کشورها درگیر شود. البته آنها می‌دانند، که این گروه‌ها در راستای سیاست‌های ایران در منطقه عمل می‌کنند و اقدامات خرابکارانه‌ی جمهوری اسلامی را بی پاسخ گذاشته‌اند.

در مورد بکارگیری این نیروها در سرکوب قیام کنونی مردم ایران علیه حاکمیت جمهوری اسلامی، دیگاه‌های متفاوت و نه چندان دور از هم وجود دارد. اول از همه، در رابطه با چگونگی و برخورد با قیام کنونی، در میان نیروهای سرکوبگر حکومت اختلافاتی وجود دارد. عده‌ای از آنها موافق حداکثر سرکوب و شلیک مستقیم به معترضین هستند، عده‌ای نیز مخالف این امر هستند. اکنون این اختلاف در چگونگی برخورد نیروهای سرکوبگر با تظاهرات اختلال ایجاد کرده است. برای جلوگیری از بروز بیشتر این اختلافات داخلی و همزمان بکارگیری حداکثر سرکوب علیه تظاهرات، حکومت نیروهای نیابتی خود در خارج از مرزهای ایران، برای سرکوب خیزش مردمی در سراسر ایران فراخوانده است. طبیعتا این نیروها هم که بقای خود را در پایداری جمهوری اسلامی می‌بیند، دست به هر اقدامی که از آنها خواسته شود می‌زنند و انجام خشونت

طی دو هفته‌ی گذشته خبرهای مبنی بر حضور نیروهای خارجی در جمع نیروهای سرکوبگر رژیم جمهوری اسلامی ایران در رسانه‌های گروهی و شبکه‌های اجتماعی منتشر شده است. اولین بار این موضوع در جریان برخورد شدید نیروهای سرکوبگر حکومت در تظاهرات روز ۱۶ مهر شهر سنجند به گوش رسید. به گفته‌ی شاهدان عینی، این نیروها با زبان عربی با هم صحبت کرده‌اند. در روزهای گذشته هم بار دیگر حضور این نیروها در سرکوب تظاهرات شهرهای قزوین، رشت و برخی شهرهای دیگر تایید شد. هنوز هیچ منبع رسمی چه در داخل و چه در خارج از ایران درباره‌ی هویت و دلایل حضور این نیروها، اظهار نظری نکرده است. اینکه این نیروها از کجا آمده‌اند و هدف جمهوری اسلامی از بکارگیری این نیروها چیست؟ همچنین آیا این نیروها، در شرایط کنونی برای جمهوری اسلامی نقش فریاد رس را ایفا خواهند کرد یا خیر؟ سوالاتی هستند که این روزها درباره حضور این نیروها مطرح می‌شوند.

نخست، جمهوری اسلامی در چهار دهه‌ی گذشته در راستای شعار "صدور انقلاب"، تامین منافع خود و ایجاد نامنی در منطقه، در خارج از مرزهای ایران گروه‌های همسو با سیاست‌های خود را تشکیل داده و از آنها حمایت کرده است. در سال ۱۹۸۰، حزب الله لبنان با الهام گرفتن از بنیانهای ایدئولوژیک جمهوری اسلامی تاسیس شد و با کمک حمایت‌های آموزشی، تسلیحاتی و مالی جمهوری اسلامی، به یکی از طرفین جنگ داخلی لبنان بدل گشت. در فلسطین، جمهوری اسلامی همواره از گروه حماس جانبداری کرده و در جنگ داخلی فلسطین در سال ۲۰۰۷، در مقابل سازمان فتح، سپاه پاسداران از نظر مالی و تسلیحاتی نیروهای حماس را حمایت کردند. در سال ۲۰۱۲ در جریان جنگ سوریه، سپاه قدس جمهوری اسلامی، شماری از شیعیان افغانستان را در میان نیروهای دیگر به جبهه‌های جنگ در سوریه اعزام کرد و در ادامه لشکر فاطمیون را برای آنها تشکیل داد که در سالهای گذشته برای یاری رساندن به حکومت بشار اسد جنگیده‌اند.

در عراق، در سال ۲۰۱۴ جمهوری اسلامی نیروهای حشد الشعبی را سازماندهی کرد و در جنگ داعش، برای بقای نظام بشار اسد در سوریه، برای حمله به مواضع حکومت اقلیم کردستان و نیروهای ائتلاف در عراق، حشد الشعبی را بکار گرفته و می‌گیرد. در یمن نیز حمایت‌های مالی و تسلیحاتی جمهوری اسلامی از حوثی‌ها، عملا به بحران سیاسی این کشور دامن زده و راه رسیدن به صلح و ثبات را در این کشور سد کرده است.



مداح احمدی



غرب با ایجاد منطقه‌ی پرواز ممنوع می‌تواند از تجاوزات جمهوری اسلامی جلوگیری کند

خالد عزیزی، سخنگوی حزب دموکرات

کوردستان ایران طی نشست‌ی در استیتوی گولد در رابطه با امور بین‌الملل با بخشی از کارشناسان واشنگتن و اعضای پارلمان اروپا دیدار کرد. در این نشست راهکارهای ثابت در منطقه‌ی خاورمیانه و ممانعت از دخالت و رفتار تجاوزکارانه‌ی جمهوری اسلامی مورد بحث و گفتگو قرار گرفتند.

در این نشست که شامگاه روز چهارشنبه، ۲۰ مهرماه برگزار شد، سخنگوی حزب دموکرات کوردستان ایران نخست از آخرین تحولات ایران و کوردستان، گسترش اعتراضات و خیزش سراسری مردم ایران برای حصار سخن به میان خالد عزیزی در بخشی دیگر از سخنانش

مسئله‌ی چگونگی کمک‌رسانی اروپا به منظور ایجاد ثبات، صلح و دموکراسی در خاورمیانه و نقش جمهوری اسلامی در خصوص ایجاد عدم امنیت و بی‌ثباتی بخشی دیگر از اظهارات خالد عزیزی، سخنگوی حزب دموکرات کوردستان ایران در این نشست بود.

خالد عزیزی در بخشی دیگر از این نشست شرکت کنندگان که به طور مستقیم و آنلاین در این حضور داشتند، به خوبی نظرات سخنگوی

حزب دموکرات کوردستان ایران را درک کردند. همچنین در این نشست مشارکت کنندگان مجموعه سوالاتی را در مورد معادلات کنونی ایران و منطقه را مطرح کردند که از سوی خالد عزیزی به سوالات‌شان پاسخ داده شد.

خطر تجزیه بیشتر است یا دیکتاتوری دیگر؟



آیت روحانی

دارای حقوقی مساوی با مردان خواهند بود. " (مصاحبه با روزنامه گاردین ۱ آبان ۵۷ نوفل لوشاتو)

" در ایران اسلامی علما خودشان حکومت نخواهند کرد و فقط ناظر و هادی خواهند بود. من نیز هیچ مقام رهبری نخواهم داشت و از همان زمان ابتدا به حجره تدریس خود در قم برخوام گشت." (نوفل لوشاتو مصاحبه با روبره آبان ۵۷)

" در منطق اینها آزادی یعنی به زندان کشیدن مخالفان، سانسور مطبوعات و اداره دستگاه تبلیغاتی. در این منطق تمدن و ترقی یعنی تبعیت تمامی آحاد جامعه از یک فرهنگ، اقتصاد، ارتش، دستگاه‌های قانونگذاری، قضایی و اجرایی از یک مرکز یگانه. ما همه اینها را از بین خواهیم برد." (سخنرانی برای گروهی از دانشجویان ایرانی در اورپا نوفل لوشاتو۸ آبان ۵۷)

" در حکومت اسلامی رادیو، تلوزیون و مطبوعات مطلقاً آزاد خواهند بود و دولت حق نظارت بر آنها را نخواهد داشت. " (مصاحبه با روزنامه پیزا سره نوفل لوشاتو ۲ نوامبر۱۹۷۸) " برای همه اقلیت های مذهبی آزادی به طور کامل خواهد بود و هرکس خواهد توانست اظهار عقیده خودش را بکند. " (کنفرانس مطبوعاتی، نوفل لوشاتو ۹ نوامبر ۱۹۷۸) " دولت اسلامی ما یک دولت دموکراتیک به معنی واقعی خواهد بود، من در داخل این حکومت هیچ فعالیتی برای خودم نخواهم

داشت. " (مصاحبه با تلوزیون ان بی سی، نوفل لوشاتو ۱۱نوامبر ۱۹۷۸) " نه رغبت شخصی‌ام و نه وضع مزاجی م اجازه نمیدهد که بعد از سقوط رژیم شاه شخصاً نقشی در اداره امور مملکت داشته باشم. " (مصاحبه با خبرگزاری آسوشیتد پرس، نوفل لوشاتو ۱۷ نوامبر۱۹۷۸) بعد ازپیروزی انقلاب، اما:

" کشتار و سرکوب مردم خوزستان ترکمن صحرا و کوردستان و حکم جهاد علیه ملت کورد. "

" در قانون اساسی یک

بند هم در مورد دموکراسی وجود نداشت. "

" منحل خواندن تمام احزاب سیاسی، با شعار

حزب فقط حزب الله رهبر فقط روح الله. "

" چیزی بنام آزادی و برابری زن و مرد وجود

خارجی نداشت. "

" خودش نه فقط رهبر بلکه ولی فقیه هم

شد، و بعد نیز این پست رو به ولایت مطلقه

فقیه ارتقا یافت. "

" پوشش زنان، همان حجاب اجباری شد. "

" کشتار مخالفان زندانی در سال ۱۳۶۷. "

" ترور های مخالفان در خارج از مرزهای

ایران. "

" سرکوب خونین اعتراضات مدنی و

مسالمت آمیز که از ابتدای سرکار آمدن این

رژیم تا کنون ادامه دارد. "

لازم به ذکر است که این توحش و سرکوب

در سیستان و بلوچستان، کوردستان، خوزستان،

آذربایجان شرقی، ترکمن صحرا، بسیار تندتر و

متوحشتر بوده، به ویژه کوردستان از حکم جهاد

علیه ملت کورد گرفته تا اعدام فله‌ای و قتل و

عامهای همچون قارنا و قلاتان و هزاران جنایت

دیگر که در این مختصراً عرض کردم رخ داده

است.

تمامی این توحش و جنایتها زیر تحت لوای

تمامیت ارضی و مبارزه با تجزیه طلبی انجام

شده، متأسفانه نه توده مردم و نه روشنفکران

از ملل تحت ستم سخنی به میان نیاوردن هیچ

بلکه در اکثر مواقع لبیک گویان زمینه ساز و

پیش قراول سپاه تروریستی پاسداران بوده‌اند.

اما اکنون که تا حدودی مردم به این عوام فریبیها پی برده‌اند و تا حدود زیادی به اتحاد و همبستگی برای سرنگونی این رژیم رسیده‌اند، ولی هنوز توهم تجزیه طلبی رو برای گمراه کردن مردم روزانه به میان میاورند.

خطر اینجاست که کمتر به ایران پس از رژیم آخوندی می‌پردازند و هرگونه حق خواهی مردم رو موکول به بعد از سرنگونی رژیم می‌کنند.

در این سالهای اخیر همواره احزاب و شخصیت‌های هستند که از نظر رسانه‌ای و مالی پشتیبانی می‌شوند، باز میبینیم شباهت بسیاری با وعده‌های خمینی در قبل از انقلاب ۵۷ که در بالا ذکرشده دارند و همانند خمینی می‌گویند ما در پی هیچ پست و مقامی در سیستم آینده ایران نیستیم؟!

مسئله بسیار حائز اهمیت‌تر این است که تماماً در نوشتار و گفتارهایشان، دم از پایبندی به حقوق بشر و سیستمی دموکراتیک می‌زنند؟! اما اکنون و پس از قریب به نیم سده که از حاکمیت منفور و دروغ‌پرداز رژیم می‌گذرد، در آنچه رژیم تغییری در رفتار عوام‌فریبانه خود به نفع آزادخواهی انجام نداده و مستمرا بر همان طبل ضد خلقی خود می‌کوبد.

متأسفانه چنین خیالپردازیهای عوام‌فریبانه را از کسانی هم می‌بینیم که اگر چه رفتارهای متوحشانه جمهوری اسلامی را به چالش می‌کشند و خود را داعیه‌داران نظامهای دموکراتیک می‌دانند، اما آنجا که سخن از حقوق بنیادین و جهانشمول ملیتهای تحت ستم به میان میاید، گستاخانه تر از رژیم به نفی واقعیت‌های عینی جغرافیای کثیرالملل ایران می‌پردازند و با اتهام‌های واهی، باطن غیردموکراتیک خود را نمایان می‌کنند. جای بسی تامل است شخصی که در مهد دموکراسی ایام تبعید اجباریش را به امید آزادی سپری می‌کند و هنوز پایش به ایران نرسیده و در چنین شرایطی می‌بایست حداقل برای سرنگونی رژیم هم شده از چنین انگهائی که نطفه‌های اتحاد را از بین می‌برد، رژیم وار موجب ایجاد نفاق نشود و عملاً و صد البته عامدانه و غیر دموکراتیک کمک به ابقای این رژیم دیکتاتور نکند.

سوال اینجاست؟

اگر به حقوق بشر پایبند هستید، پس چرا از بیان اینکه ایران کشوری کثیرالملله و دارای تنوع هویتی فرهنگی و ... هست، پرهیز می‌کنید؟ در اعلامیه‌ی جهانی حقوق بشر و در یکی از بندهایش به مسئله " حق تعین سرنوشت

اشاره شده." " یکی دیگر از بندهای حقوق بشر زبان مادری است. " نمی‌شود که به حقوق بشر پایبند باشید اما بند های آنرا به میل خود گلچین کنید و بر اساس منافع خود آنرا ترویج دهید. پرسش این است آیا حقوق بشر را قبول دارید یا خیر؟

متأسفانه هرکدام از این به اصطلاح لیدرهای موجود در گفتار خود را پایبند به حقوق بشر و دموکراسی معرفی می‌کنند اما حقوق بشر و دموکراسی‌ای که آنها به آن پایبند هستند، جای نگرانی است، همچنان که در بالا ذکر شد آنها بندهایی از اعلامیه‌ی جهانی حقوق بشر و دموکراسی را مد نظر دارند و قبول دارند. همانگونه که پهلوی اول و دوم و همچنین رژیم اسلامی ایران نیز به همان شیوه بوده و این جای نگرانی و پر مخاطره است.

از همین رو است که آینده پسا رژیم آخوندی روشن نیست و احتمال اینکه باز به دیکتاتوری دیگر برسیم هست و باید به آن اندیشید. ملت‌های ایران با توجه به تجربیاتی که از تاریخ کسب کرده‌اند به این نتیجه رسیده‌اند که تمام این مباحث و توهما برای ایجاد جدایی و تفرقه بوده، و بر همین اسا است که خیزش "زینا" بیانگر این نکته است که تنها راه گذار از رژیم آخوندی اتحا و همبستگی ملل ایرانی است، دیگر کمتر کسی در داخل از تجزیه طلبی کوردها و بلوچها و غیره حرف می‌زنند و از شعارهایشان پیداست به این بلوغ سیاسی رسیده‌اند که دیگر توهمات رو کنار بگذارند.

نتیجه‌گیری:

ملل تحت ستم ایرانی باید خواسته‌های خود را علنا بیان کنند و در آن مورد با همه به بحث و گفتگو بپردازند، چرا که احتمال دریده شدن دوباره انقلاب هست.

بنده بر خلاف آنچه عده‌ای بر این باورند که نباید اکنون در مورد خواسته‌هایمان سخن بگویم، چون باعث برهم خوردن این اتحاد میشود . معتقدم باید از هم اکنون خواسته‌هایمان را همانطور که هست و باور داریم فرموله کرده و به بحث و تبادل نظر بگذاریم. چون این باعث می‌شود هم روشنگری کرده باشیم و هم ماهیت گروه‌های سیاسی عیان شود و برای مردم قابل هضم‌تر و تصمیم گیری در ایران پسا رژیم آخوندی راحت‌تر خواهد بود.

اطلاعیه مرکز همکاری احزاب کوردستان ایران در رابطه با تهدیدات نظامی رژیم

جهت حمله به اقلیم کوردستان عراق

مردم مبارز و آزادیخواه

پدیدارشناسی انقلاب در ایران



شاهو حسینی

آغاز:

پدیدارشناسی انقلاب، انقلاب را نه به مثابه یک جنبش، اعتراض یا نوعی عمل در راستای ایجاد تغییر در ساختارت اجتماعی، سیاسی و اقتصادی جامعه که به مثابه نوعی آگاهی، گسست از نوعی تجربه، فهم و درک فردی که در گذر زمان دچار تغییر شده بررسی می‌کند. کوتاه سخن در پدیدارشناسی انقلاب، انقلاب به مثابه یک پدیده بررسی می‌شود نه یک جنبش از قبل برنامه‌ریزی شده، طراحی شده یا ساخته شده. بنابراین می‌شود گفت که انقلاب میلی آگاهانه و نتیجه گسست از فهم گذشته به سوی آزادی است، یعنی نتیجه گسست از گذشته و میل به آگاهی، فهم و تجربه نو به سوی رهایی و آزادی است.

این نوشتار از دریچه پدیدارشناسی به بررسی زمینه‌های شکل‌گیری انقلابی علیه جمهوری اسلامی می‌پردازد.

پدیدارشناسی انقلاب:

اگر در جامعه‌شناسی انقلاب به بررسی نقش نیروهای اجتماعی بر ساختار سیاسی یا اجتماعی در انقلابها پرداخته می‌شود، یا در کالبدشکافی انقلابها به بررسی زمینه‌های اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و ساختار قدرت و حکومت در جوامع در حال دگرگونی پرداخته می‌شود، در پدیدارشناسی انقلاب به تغییر قلمروها و مرزهای آگاهی،اداراک، فهم و تجربه انسانها از زیست اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و اقتصادی پرداخته می‌شود.

در واقع نکته محوری واساسی پدیدارشناسی انقلاب نشان دادن تمایل توده‌ها به قلمروزدایی ذهنی از تمامی حوزه‌های زیست اجتماعی است.

هر جامعه‌ای دربرگیرنده مجموعه‌ای از

ساختارهای سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی است که نقش، کارکرد و کارویژه‌های خاصی را در جهت نظم بخشی به جامعه در راستای تداوم، هژمونی و فراگیرندگی گفتمان یا ایدئولوژی حاکم بر عهده دارند. در واقع مجموعه ارگانهایی که به مثابه ارگانیسمهای حیاتی در خدمت گفتمان یا ایدئولوژی حاکم بر جامعه هستند. این ساختارها به طورکلی برآمده از نوعی تجربه زیسته توده‌ها، نوعی فهم و آگاهی انسانهای یک اجتماع در برهه‌ای از زمان و در تقابل با همدیگر هستند. به عبارتی دیگر این ساختارها در خلاء فهم، درک و تجربه انسانها شکل نمی‌گیرد. ارگانهایی که در طول زمان و درگذر زمان نمی‌توانند خود را با تحولات ذهنی، فهمی و ادارکی انسانهای دربرگیرنده‌اش سازگار کند، کهنه، نامطلوب و پوسیده شده و کنار گذا

جمهوری اسلامی پیش از فروپاشی در تهران،

در کوردستان فروریخته‌است!



شمزین احمدنژاد

وزیر امور خارجه‌ی رژیم حاکم بر ایران ۲۳ مهرماه سال جاری در دیدار با قاسم العرجی، دبیر شورای عالی امنیت عراق بار دیگر اعلام کرد" نمی‌توانند بیش از این شاهد این باشند نیروهای مسلح تروریستی و فعالیت‌هایشان در اقلیم کوردستان عراق ادامه یابد". امیرعبداللهیان همزمان درخواست کرده اقلیم کوردستان و حکومت عراق مسئولیت کامل خود در مقابله با به گفته‌ی وی "گروه‌های تروریستی" که در اقلیم کوردستان مستقر هستند را بر عهده بگیرند. مسئولان رژیم حاکم بر ایران طی مدت خیزش اخیر توده‌های مردم بکرات واژه‌ی "تروریست" را خطاب به احزاب کوردستان ایران بکار بسته‌اند. تغییر سیاست رژیم در برابرجنبش کوردستان از "تجزیه‌هراسی و ضد انقلاب" به "تروریست" نامیدن احزاب سیاسی کوردستان ایران با شدت و حدت هرچه‌تمامتر، به بخشی از برنامه و سیاست کاری رژیم، خصوصاً وزارت امور خارجه تبدیل شده و تمامی ارگان‌های جمهوری اسلامی به شدت درصدد آگران‌دیسمان و پررنگ‌کردن آن هستند.

رژیم جمهوری اسلامی بیش از چهار دهه است جنبش سیاسی کورد و نمایندگان آن که احزاب سیاسی کوردستان ایران هستند، به ویژه حزب دموکرات کوردستان ایران را همچون احزاب "منحله"، "معاند"، "تجزیه‌طلب"، ضدانقلاب" و " ایدای استکبار و امپریالیسم ... معرفی می‌کند. همه‌ی این عناوین و القاب در مراحل مختلف و با توجه به شناخت رژیم از موقعیت و جایگاه خود و افکار عمومی ایران تعریف و محاسبه‌شده‌اند.

انقلابی‌بودن رژیم و مردم!

طی دوره‌ی کوتاهی تفکر انقلابی بودن به‌منابهای پیروی از خمینی و انقلاب اسلامی در ایران دارای پایگاه توده‌ای نیرومندی بود و ضد انقلاب بودن مناسب‌ترین سلاح رژیم تازه به دوران رسیده بود که با آن می‌توانست تا حدودی سرکوب جنبش کوردستان و سایر آزادی‌خواهان ایران را توجیه نماید. ولی کانسپت و ایده‌ی پیروزی انقلاب ۵۷ اکسپایر و منقضی شده و اتاق فکر و ایدای رژیم نیک می‌دانند آثانی که "صدانقلاب" هستند اکثریت قریب به اتفاق مردم ایران را شامل می‌شوند و در واقع بخشی بودند از نیروی محرکه انقلاب اسلامی و پایه‌های رژیم بر دوش آنان بنا نهاده شد.

تجزیه‌طلبی!

مفهوم تجزیه‌طلبی کارکرد پارالل مانندی در توازن پارادایم موجود در ایران معاصر داشته و در واقع یکی از ارکان حفظ و تحکیم ناسیونالیسم ایرانی - فارسی بشمار می‌رود. همزمان و هماهنگ با استیلای حاکمیت در تهران، اکثریت مخالفان رژیم و آزادی‌خواهان ایرانی نیز از بیم به ادعای خود تجزیه ایران، در سرکوب حداقل‌های سیاسی کوردستان و اهدافش با مندهای گوناگون دست داشته و تا کنون نیز دارند. سرکوب سفید یا نرم که عبارت بود از انکار حقوق ملت کورد و القای تهدید آن برای تمامیت ارضی ایران، درواقع تز و دکنترین چندین ساله‌ی این جریانات بوده‌است. این انکار و سانسور کردن‌ها به‌عیان در رویکرد گریزگرد نیروهای سراسری ایران از احزاب و سازمان‌های کوردستانی و سایر ملت‌های تحت ستم ایران مشهود بوده و تا این اواخر نیز حداقل در سطح خارج از کشور بسیار نیرومند خودنمایی کرده‌است.

آنان حاضر نیستند پروژه‌ی سیاسی مشخص و کنکرتی ارائه کنند و کلی‌گویی سیاسی به‌هدف گذار از جمهوری اسلامی و نادیده انگاشتن حقوق ملی و مشروع سایر ملیت‌های ایران و همچنین بازسازی دیو خیالی مرکزنشینان هدف اصلی آنان است. کوتاه‌سخن مرحله‌ی پساجمهوری اسلامی از منظر آنان مرحله‌ی پسا سانترالیسم، مرکز گرایی و شونیسمی نیست که ریشه در ادوار تاریخ دارد. اما در سطوح داخلی و به‌دلیل سیاست احزاب کوردستانی، فرهنگ سیاسی دموکرات و سکولار کورد در ایران، مقاومت بی‌مانند مردم کوردستان، شخصیت‌های مردمی و ورزشی، جامعه‌ی مدنی کوردستان، مفاهیم مدنی همانند حقوق بشر، جدایی دین از دولت، و ناتوان ساختن و فروپاشیدن، هیمنه و اتوریته‌ی جمهوری اسلامی در کوردستان و به‌اختصار تبدیل کوردستان به

نماد شگرف و مسلم مقابله و مواجهه با رژیم ضد بشری و واپسگرای حاکم بر ایران آنچنان کارکرد و پتانسیلی داشته که شخصیت‌های نیروهای مستقل و متوازن در روند رویدادهای سیاسی کنونی از منظر متعادل‌تری به مسئله‌ی کورد و کوردستان با تمام ویژگی‌هایش بنگرند. دراین بین مخاطبان بیشتر سیل مردم در خیابان‌ها هستند. این موج همبستگی و همچنین هماوایی ملت کورد با شعارهای سراسری مردم ایران کاری کرده که پروژه‌ی تجزیه‌هراسی حاکمیت در میان بخش بزرگی از جامعه‌ی ایران رنگ و لعاب گذشته را از دست بدهد. این مسئله که استعمار یا کولونیالیسم سلطه‌گر ایرانی چگونه در این شرایط در حال بسط و گسترش ایده‌های خود است، موضوعی بااهمیت در وضعیت کنونی به شمار می‌رود.

کوتاه سخن با توجه به شروط فوق، دشمن و ایدای خواندن مردم کوردستان بیش از این قادر نیست سرکوب مردم کوردستان، دست‌کم در سطح خیابان‌های داخل ایران را توجیه نماید. شعارهای چند سال اخیر مردم همانند" دشمن ما همین جاست، دروغ میگن آمریکاست" دلیلی است دال بر اینکه مردم سرچشمه‌ی همه‌ی مشکلات، بحران‌ها و معضلات تلانبارشده‌ی خود را در سیاست‌های این رژیم جنایتکار می‌بینند. با توجه به شکست مفاهیم جنگ‌افروزانه‌ی رژیم حاکم بر ایران در عرصه‌ی گفتاری در برابر جنبش کوردستان، اینک حاکمان تهران که در حاشیه‌ی پیوستن به تاریخ ننگین حکام و حاکمیت‌های پیشین قرار دارند، با تمام قوا می‌کوشند از فروپاشی خود جلوگیری کنند، لذا عرصه‌ی کرداری و گفتاری دیگری را برای مقابله و نبرد با جنبش کوردستان و سایر ملت‌های تحت ستم در ایران به‌راه انداخته‌اند.

جمهوری اسلامی چرا واژه‌ی تروریسم را در مورد نیروهای کوردستان ایران به‌کار می‌بندد؟ حزب دموکرات کوردستان ایران و سایر نیروهای سیاسی این بخش از کوردستان طی مدت بیش از ۴۰ سال مبارزه علیه رژیم حاکم بر ایران، تمامی پرسنپ‌های اخلاقی و قانونی جنگ در برابر دشمن خود در همه‌ی میادین، به ویژه میدان نبرد محفوظ داشته‌اند. نمایندگان سیاسی نیروهای کوردستان ایران در جهان خارج همواره مورد تقدیر و احترام قرار گرفته و هیچوقت دست رد بر سینه‌ی آنان زده نشده است و دیپلمات‌هایشان مورد بی‌مهری قرار نگرفتند، آنهم در حالیکه بیشتر فعالن سیاسی و نمایندگان حزب دموکرات متشکل از کسانی هستند که پیشتر کادر و پیشمرگ حزب بودند و به دلیل معلولیت و کهولت سن و... کوردستان و میدان مبارزه را ترک گفته و رو به سوی کشورهای دیگر نهاده‌اند.

در جهانی که پس از جنگ جهانی دوم، به ویژه در پی حملات ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ به آمریکا، با احتیاط و حذر با نیروهای غیر رسمی و غیر دولتی تعامل می‌کردند، در قبال جنبش سیاسی کوردستان، به ویژه کوردستان ایران و احزاب و سازمان‌های سیاسی آن، همواره مورد استقبال بوده و پذیرا شده‌اند. نامهی حمایت و تأیید سیاسی حزب دموکرات کافی بود برای اخذ حق پناهندگی در هر یک از کشورهای اروپایی یا آمریکا از سوی هر پناهنجویی که حامل این تأییدیه باشد، البته این گواهی است بر اعتبار و پرستیژ جهانی حزب دموکرات و دیگر احزاب کوردستان ایران. ترور دو دبیرکل حزب دموکرات و چندین تن از اعضای رهبری حزب در جریان مذاکره با نمایندگان جمهوری اسلامی و اپوزبسیون ایرانی، از سوی تیم‌های تروریستی رژیم و سرانجام برگذاری دادگاه میکنونوس که به خون فرزندان کوردستان آغشته گردید، به بزرگ‌ترین سند تاریخی رژیمی تبدیل شد که در نوع خود نقطه‌ی عطفی در سطح بین‌المللی بود که این جنایات نه توسط یک گروه تروریستی، بلکه از سوی یک حکومت انجام گرفته و این حکومت انگ تروریست‌بودن را بر پیشانی خود به جان خریده‌است.

در تداوم به‌کارگیری مفاهیم برای ایجاد زمینه مناسب و رادیکال‌کردن میدان مقابله با جنبش کوردستان، همانگونه که در فوق ذکر گردید، اینبار جمهوری اسلامی درصدد است مفاهیم رنگ و رورفته‌ی دیگری چون "تروریسم" را به‌کار گیرد. حال سؤال این است در شرایط کنونی که فعالیت‌های تروریستی جمهوری اسلامی در جهان زبان‌زد عالم، به ویژه دنیای غرب شده است، این رژیم به کدام هدف ازاین انگ شکست‌خورده در برابر انسانی‌ترین جنبش سیاسی خاورمیانه که جنبش خلق کورد است سود می‌جوید؟ برای پاسخ به این پرسش باید ابتدا این مسئله را مورد عنایت قرار دهیم که جمهوری اسلامی ایران طی تاریخ منفور خود، همانند رخدادهای پس از

قتل ژینا امینی از سوی نیروهای انتظامی و پلیس تهران با ممانعت و برخورد درخور و قابل توجهی روبرو نشده است. البته شاید خوانش و قرائت‌ها متفاوت باشند، ولی باید اذعان داشت رژیم جمهوری اسلامی پیش و پس از ۲۳ شهریور بسیار متفاوت است و زمان به عقب برنمی‌گردد.

شاید نمونه‌های زیادی در آینده پدید آیند، اما برای اثبات این تفاوت، تنها سخنان پدر شهید "فریدون محمدی" را بیاد بیاوریم که هنگام خاکسپاری جنازه‌ی فرزندش در شهر سقز با زبانی مردمی و بی‌آلایش گفت" این ارتجاع است، این ارجاع باید برود و از بین گردد!" لذا می‌توان دلیل بازتولید مفهوم تروریسم در قبال جنبش سیاسی کوردستان را بدین‌شیوه دسته‌بندی و پلین کنیم:

نخست: سکوت سازمان‌های بین‌المللی و کوشورهای جهان در قبال یورش به جنبش سیاسی کوردستان ایران در اقلیم کوردستان و نمایاندن این تعرض بسان صیانت در برابر خطر ترور بود.

دوم: تلاش برای فشار بر حکومت عراق و اقلیم کوردستان و همچنین متهم کردنشان بر این اساس که از نیروهای تروریستی حمایت می‌کنند و در ققای آن سیاست‌های خود را عملی گردانند.

سوم: ایجاد دل‌گرانی و گمانه‌زنی‌های جدید در انظار و افکارعمومی ایران پیرامون جنبش کوردستان که اینک در سطح تمامی ایران دارای نفوذ و تأثیر سراسری و به سزایی است. با توجه به اینکه طی مدت اخیر همواره احزاب کوردستان ایران را بسان عامل ناآرامی و ناامنی منطقه قلمداد کرده، رژیم درصدد است به سرکوب و اعمال خشونت‌آمیز و جنایتکارامه‌ی خود مشروعیت بخشد.

چهارم: ناسیونالیسم ایرانی_شیعی درصدد است از هم‌اکنون راه را برای ایجاد بستر مناسبی جهت فراهم سازی ایران نوینی که در آن حقوق همه در آن گنجانده‌شود مسدود نماید و در این بین چنین پیداست نخیکان وابسته به ناسیونالیسم سکولار_ قدیمی‌گوی ایران نیز از آن حمایت کنند.

پنجم: هراس از اینکه نیروی پیشمرگ به سمبل آزادی در ایران تبدیل گردد. در چنین شرایطی کسب چنین دستاوردی از سوی کورد، زرادخانه‌ی جنگ نرم کوردستان را تقویت می‌کند و بر نفوذ کوردستان بیش از پیش می‌افزاید. ششم: ایجاد آمادگی برای حمله‌ای گسترده‌تر و بزرگتر رژیم به احزاب کوردستان ایران که با سیاست کنونی جنبش کوردستان و مرکز همکاری احزاب کوردستانی، به ویژه با توجه به استقبال اخیر مردم کوردستان ایران از فراخوان این مرکز، یورش زمینی احتمال زیادی دارد.

هفتم: ایجاد هماهنگی با روسیه و چین و سایر همپیمانانش برای آنکه در صورت احتمال چنین حمله‌ای و محکومیت آن از سوی شورای امنیت، توجیه لازم برای وتوی آن را در دست داشته‌باشد. به ویژه با برجسته‌کردن این مسئله که کشور مستقلی به خطر افتاده و جامعه‌ی جهانی نیز در این مورد حساس است. بدیهی‌است نامه‌ی نماینده‌ی دائمی رژیم حاکم بر ایران در سازمان ملل متحد و تروریسم قلمداد کردن احزاب کوردستان ایران، پس از حملات تروریستی رژیم به دفاتر و مقرات این احزاب، بخشی از این ترفند رژیم حاکم بر ایران است.

جمهوری اسلامی اینک بیش از هر زمانی درماده است از این روی دست به هر کاری می‌زند. جهان این رژیم را بسان حکومتی باغی، گروگان‌گیر و حامی اصلی ترور می‌شناسد. بزرگترین نیروی مسلح این رژیم در فهرست ترور آمریکا قرار دارد و سرکردگان خطرناکترین گروه‌های تروریستی جهان در ایران جای خوش کرده‌اند. این رژیم نمونه‌ی حکومتی افراطی دینی و انحصارطلب است که به طور بنیادی با کنکترگرایی و پلورالیسم در ستیزاست. لذا اگر هر حاکمیتی بتواند وضعیت ناآرام و شبهه آنازشیستی بین‌المللی کنونی را برای خوانش مصلحت‌طلبانه بر پایه‌ی ترور به‌کار گیرد، تردیدی نیست جمهوری اسلامی مامن و مرکز تروریسم جهانی است و قادر به هضم آن نخواهد بود.

ترس جمهوری اسلامی از احزاب و جنبش سیاسی کوردستان حامل واقعیت‌های بزرگی است که ترسیم آن را در این واقعیت می‌توان دید که قبل از آنکه این رژیم در تهران فروپاشد، دمی‌است در کوردستان به‌گور نهاده شده است. این فروپاشی چنان سراسیمگی و هراسی بر اندام رژیم افکنده که کوردستان و کورد را به آماج اصلی توحش این رژیم تبدیل کرده‌است.

نسل Z و خیزش



البرز روئین‌تن

جوانی، مبارزه‌جویی و خواسته‌های رادیکال در متون و ادبیات انقلابی در مورد آن بحث شده است. در تمامی قیام‌ها این نسل نقش موثری ایفا می‌کنند که این موضوع در خیزش کنونی به طور آشکار دیده می‌شود که چگونه جوانان بخشی مهمی از مبارزه‌ی ملت‌مان به منظور پیشبرد این خیزش هستند، حتی بخش بسیار بزرگ قربانیان این قیام جوانان‌اند.

مهم‌تر از مشارکت جوانان در این خیزش شرکت نوجوانان است که به یکی از چشمگیرترین خصوصیات قیام اینبار به حساب می‌آید. مشارکت دانش‌آموزان مقطع راهنمایی و دبیرستان که توانسته‌اند در چند سطح حامی نیرومند برای این جنبش باشند. آنان با پاره کردن تصویر رهبران جمهوری اسلامی و مشارکت در اعتصابات و حتی تداوم در اعتراضات نمایان شوند و بر جریان خیزش اینبار تأثیر بسزایی گذاشتند.

این قشر که در زبان فارسی به "دهه هشتادی" شناخته شده‌اند، ضمن اینکه مشارکت آنان برای بیشتر مردم و محققین در جامعه‌ی تعجب‌آور است، از آنان چنین انتظاری نداشتند. با مشارکت فعالانه‌شان در خیزش، ضمن زنده نگه‌داشتن امید پیام روشنی را به رژیم و مردم دادند. اما به منظور درک بیشتر از این موضوع ضروریست، خوانشی جدید برای این قشر داشته باشیم، این خوانش تنها ویژه‌ی نوجوانان و جوانان جامعه کوردستان و ایران نیست، بلکه به تمامی جهان مرتبط است. چون این نسل در تحقیقات علمی و جامعه‌شناسی به نسل Z شناخته شده و بیشتر اوقات نمایان می‌گردد.

نسل Z به چه کسانی گفته می‌شود؟

براساس تقسیماتی که بر طبق به‌دنیا آمدن نسل‌ها می‌شود، آنان که در میان سال‌های ۱۹۹۶ تا ۲۰۱۰ چشم به جهان گشوده‌اند به نسل Z معروف‌اند. همچنین به آنان که قبل از این بازه‌ی زمانی به دنیا آمده‌اند آلفا گفته می‌شود که پیشتر به نسل X نام برده می‌شدند. این نسل به خصوص آنان که پس از هزاره نسل جدید چشم به جهان گشوده‌اند و رویدادهای ۱۱ سپتامبر را به یاد دارند، و با پیشترفت‌های جهان اینترنت و تکنولوژی و انقلاب انتقال اطلاعات بزرگ شده‌اند، به دلیل روابط محکم با تکنولوژی و محصولاتش و همچنین به اینترنت دسترسی دارند، آموزش متفاوتی با نسل‌های قبل از خودشان دارند که تنها از طریق خانواده و اطرافیان‌شان رشد کرده‌اند. این نسل به صاحب برخی از خصوصیات متفاوت از برخی لحاظ مبدل می‌شوند و ضمن اینکه جای توجه‌اند و سبب ایجاد تحولات جدی در مقایسه با نسل‌های قبل از خودشان هستند.

در نخسین نگاه این نسل که اکثرشان وقت خود را صرف ابزارهای جهان دیجیتال و شبکه‌های اجتماعی کرده‌اند، بسیار برای اطرافیان‌شان امید بخش نبوده‌اند، اما تحقیقات گوناگون در جوامع مختلف نشان داد که این نسل بلعکس این انتظارات بسیاری از خصوصات جای توجه و مهم را دارا می‌باشند که برای جامعه‌شناسان و به خصوص سیاستمداران حائز اهمیت ویژه است؛ زیرا رفتار و شیوه‌ی تصمیم‌گیری‌شان متفاوت بوده است. یکی از مهم‌ترین اصول متفاوت این نسل اهمیت قائل شدن به مفهوم آزادی است که نمی‌گذارد این آزادی را که دارا می‌باشد سلب شود و حتی در مقابل اینکه آزدایش را سلب کنند ایستادگی می‌کنند. بلعکس نسل‌های قبل از خودشان که حاوی فرهنگی لوکالی هستند، این نسل بیشتر دارنده‌ی فرهنگی جهانی هستند و می‌توانند به بخشی از فرهنگ یک کشور دورتر از دیاری که در آن زندگی می‌کنند، تبدیل شوند و این هم به نوعی چهارچوب تفکر آنان را وسیع کرده است. به دین شیوه آنان از نسل‌های قبل از خودشان متفاوت فکر می‌کنند و تصمیم می‌گیرند. یا رویدادهای متفاوت و در بعضی لحاظ عمیق‌تر می‌بینند و به دنبال واقعیات و تحلیل اطلاعات به منظور تصمیم‌گیری ضروری‌اند.

یکی دیگر از جنبه‌های این نسل اهمیت دادن به ظاهر و اثبات خودشان است. این اعتماد به نفس از جهان اینترنت برایشان مانده است، ضمن وجود برخی زمینه‌های مثبت اما دارای جنبه‌ی منفی نیز می‌باشند که خود را در مقابل نسل‌های دیگر دستکم تلقی نمی‌کنند، این هم وضعیتی را به بار می‌آورد که بر شیوه‌ی زندگی و تفکرشان تأثیر می‌گذارد.

این نسل که در کشورهای مختلف مدام روبه افزایش‌اند، به دلیل تصمیمات متفاوت، تأثیرگذاری گوناگون بر جامعه‌شان گذاشته‌اند، زیرا سیاستمداران با اقشار مختلف جمعیت کشورشان روبرو می‌شوند که دارای نرم و تفکرات مخصوص به خود هستند که متفاوت از والدینشان یا نسل قبل از خودشان می‌نکرد. برای همین اگر خواسته و تفکر این نسل را در نظر نگیریم و به شیوه‌ی کلاسیک فکر کنیم با شکست روبرو می‌شویم. زیرا این نیرو و دینامیسیم جامعه را نمی‌توان نادیده گرفت.

نسل Z در جامعه‌ی ایران که اکنون نقش موثری را دارند، در خیزش نو باید مورد تحلیل و خوانش جدی قرار گیرند. زیرا پیشبرد هر موضوع مرتبط با جامعه و به خصوص سیاست بدون شناخت این نسل و خصوصیاتش بسیار دشوار می‌باشد. به خصوص این دیدگاه برای مبارزان که می‌خواهند با همگانی کردن مبارزه، قیام را برای ایجاد جامعه‌ی جدید به پیش برند، ضرورت مهمی است. زیرا این قشر ضمن وجود انرژی بسیار اما طرز تفکرمتفاوت باید به شیوه‌ی جدید با آنان تعامل کرد. به عنوان نمونه، برای این قشر از یک پیام سیاسی مهم‌تر، یک ویدیوی یوتیوب جوانی است که موضوع را به طور مستقیم به زبان اینترنت بیان و جای توجه و موثر می‌باشد.

از سوی دیگر می‌بینیم که این نسل برعکس انتظارات والدینشان که آنان را مقابل به وضعیت اطراف بدون احساس می‌داند و بر این باورند که آنان از جامعه جدا شده‌اند. به شیوه‌های نو به میدان می‌آیند و حتی بسیار موثر به شیوه‌های خود به طور مثبت بر رویدادها تأثیر می‌گذارند. به نوعی به امید پیروزی در قیام و حتی حامی نیرومند به خواسته‌های پیشرفته‌ی جامعه مانند آزادی و برابری می‌باشند. خوانش واقعیات جامعه مانند آنچه هدف اصلی‌ترین ضروریات طرح برانه و استرتژی برای حال و آینده جامعه است. به خصوص اگر این برنامه و طرح، استقلال و آزادی را برای یک ملت به ارمغان آورد و از سوی مبارزان جهت‌گیری شود. در چنین شرایطی آشنایی با این نسل متفاوت و موثر است، یکی از ضروریات سیاستمداران و مبارزان است و عدم این ضروریات، بیگانگی با جامعه را به دنبال دارد و در نتیجه سبب به‌حاشیه‌راندنشان می‌شود.



خالد عزیزی:

تأمین اینترنت و جلوگیری از تجاوزات رژیم اصلی‌ترین خواسته‌ی مردم ایران از غرب

به لحاظ دیپلماسی و اخلاقی بر عهده دارد مانع از حملات رژیم شود. مانند "نیکی هیلی" نماینده‌ی آمریکا در سازمان ملل متحد که چند سال پیش با تأکید به این مسئله پرداخته بود که حملات به مقرات حزب دموکرات کوردستان ایران نقض فاحش قوانین بین‌الملل است که این پرونده لازم به پیگیری و باید به آن اهمیت داده شود.

سخنگوی حزب دموکرات کوردستان ایران همچنین بر این تأکید کرد که غرب باید از مردم ناراضی ایران حمایت کند و در جریان ایجاد آلترناتیو برای جمهوری اسلامی در جبهه‌ی مردم باشد.

در این نشست شماری از مقامات بلندپایه آمریکا و روزنامه‌نگاران حضور داشتند.

آید؛ بلکه مردم خود خواهان این هستند که چه نوع حکومتی را می‌خواهند. سخنگوی حزب دموکرات کوردستان ایران نیز با اشاره به اقدامات جمهوری اسلامی به منظور خفه کردن صدای مردم، گفت: اروپا و آمریکا می‌توانند با تأمین اینترنت رایگان این فرصت را برای مردم مهیا سازند که فریادشان به گوش جامعه‌ی بین‌الملل برسد و بگویند که خواهان چه تحولاتی هستند تا به دین شیوه مردم بیشتر پشتیبانی و همکاری این کشورها را احساس کنند.

خالد عزیزی با تأکید بر این که تمامی اقدامات رژیم این است که جنگ را از داخل به خارج از مرزها منتقل و اقلیم کوردستان را ناامن کند، بر این تأکید کرد مادام عراق تحت سلطه و کنترل آمریکاست و آمریکا از آسمان عراق محافظت می‌کند و مسئولیت را

خالد عزیزی، سخنگوی حزب دموکرات کوردستان ایران در نشست انستیتوی کورد در واشنگتن که با مشارکت نمایندگان احزاب و سازمان‌های هر چهار بخش کوردستان، کارشناسان، دیپلمات‌ها، نمایندگان برخی از موسسات و بخش‌های مختلف آمریکایی برگزار شد، از سیاست‌های غرب در مقابل تحولات ایران انتقاد کرد.

خالد عزیزی هم زمان به دین مسئله پرداخت که چگونه می‌توان مانع دخالت‌های جمهوری اسلامی شد و در همین رابطه به این اشاره کرد که لازم نیست آمریکا موشک، توپ و تانک را در مناطق مرزی ایران به منظور جنگ با رژیم مستقر کند، همچنین ضروری نیست کشورهای اروپایی و آمریکا از این سخن بگویند که خواسته‌ی مردم این است این رژیم سرنگون شود و یا تحولاتی به‌وجود

شبه‌های خیابان (زمانی برای رقصیدن و عاشقی)



مانع رقص کوردها شود، علیرغم همه فشارها، حتی بعضی دسیسه‌ها از سوی بعضی از روحانیون سرسپرده برای تحریک بخش مذهبی جامعه، رقص بخش همیشگی مهمانی و مراسم عروسی کوردها باقی ماند، اصلا عروسی بدون "هله‌په‌رکی؟" مگر می‌شود؟

شبه‌های عاشقی

بعد از قتل دلخراش ژینا، ویدیویی از او در فضای مجازی وایرال شد که بسیار بازتاب داشت، ژینا با لباس متین

و موفر کوردی به رنگ قرمز، لبخند بر لب در حال رقص با موهایی پریشان. به جرات می‌توان گفت این تصویر ساده به تنهایی حمله به تمام هنجارها و مقدسات دستوری و تحمیل شده جمهوری اسلامی است. تاریخ‌پرستان از رنگ‌های شاد متنفرند، آنها از لبخند بیزارند، آنها دشمن همیشگی رقص و آوازند، موهای پریشان، افسانه پوشالی قدرتشان را در هم می‌پیچد. از روزی زنان این سرزمین، روسری‌هایشان را در هوا به اهتزاز درآوردند و با موهای پریشان رقصیدند و آواز خواندند ستون‌های کاهگلی رژیم ولایت فقیه را لرزاندند. آری این اسلحه‌ای قدرتمند در مبارزه با دشمنان شادی و لبخند است، آنها که از موهای پریشان زنان می‌ترسند، آنان که رقصیدن و کنار هم بودن زنان و مردان آزارشان می‌دهد، آنان که طاقت دیدن شادی مردم را ندارند، با همین اسلحه به سراغشان می‌رویم، با اسلحه رقص.

بگذار شبه‌های انقلاب کمی متفاوت باشد، شادتر و انقلابی تر، شبه‌های رقص و آواز، زمانی برای عاشقی، زمانی برای دوست داشتن، برای بعض‌های مانده در گلو، برای همه



رضا دانشجو

از همان روز استقرار فرقه تبهکار رژیم ولایت فقیه دشمنی با شادی، لبخند و زیبایی شروع شد. تاریخ پرستان از همان ابتدا با وضع قانون حجاب اجباری و محدودیت های بی شمار بعدی زن و زیبایی را در حصار تنگ نظرانه تفکر متحجر مردسالارانه شان حبس کردند. این محدودیت ها به مرور زمان بیشتر و بیشتر شد و زن و زیبایی مجبور به خانه‌نشینی و به ابزاری برای تولید مثل و افزایش جمعیت تبدیل شدند! سربازان سیاهی جدا از زن و زیبایی، با شادی و لبخند هم دشمنی دیرینه داشتند. حالا هرچیزی که موجب شادی و لبخند می‌شد ممنوع و مشمول مجازات بود. رقص و پایکوبی حرام شد، موسیقی به قهقرا رفت و شادی و لبخند در بند. رژیم درپی القای تئوری "گریه مقدس" بود، فرهنگ عزا و سیاه پوشیدن تبدیل به تم غالب جامعه شد و بلند خندیدن عملی نکوهیده و شیطانی!

کوردستان در صف اول مبارزه با تاریخ پرستان بود، برای مردمی که با صدای دهل و زورنا و رقص و آواز بزرگ شده بودند، شادنبودن و نخندیدن سخت ترین کارممکن بود. حالا لباسهای رنگی و شاد زنان کورد باید در حریم خانه ها باقی می‌ماند و چادر سیاه جایگزین آن می شد. برای کوردها پوشیدن رنگ‌سیاه کراهت دارد، در عزاداری‌ها گاها برخی افراد بسیار نزدیک به متوفی آنها به مدت فقط سه روز سیاه می پوشند معمولا حضور با یک رنگ متین کفایت می‌کند. برای کوردها "هله‌په‌رکی" فقط یک واژه نیست بخشی از فرهنگ آنهاست. حالا رژیم می خواست مانع آن شود، می‌گفتند حرام است زن و مرد کنار همدیگر باشند. البته برای تاریخ‌پرستانی که از زن جز نگاه سکسی و ابزاری برای تولید مثل برداشت دیگری ندارند، این موضع عجیب نیست. جمهوری اسلامی بسیار کوشید تا به هدفش برسد اما هرگز نتوانست

سنخ‌شناسی معترضین

در قیام کنونی

ماردین بوکانی

قیام سال ۱۴۰۱ مردم ایران، بدون شک بزرگترین و وسیعترین و طولانی‌ترین قیام مردم ایران علیه دیکتاتوری رژیم آخوندی بوده است. هر قیامی دارای اقشار و طبقاتی از جامعه به عنوان موتور محرکه قیام است و بسته به میزان فراگیری این اقشار، اهمیت و وسعت قیام هم متفاوت خواهد بود. در این قیام هم اقشار و سنخ‌های زیادی مشارکت دارند که شناختن و دسته‌بندی آنها در تبیین قیام بسیار مفید خواهد بود. سنخ هایی که در این قیام بیشترین مشارکت را دارند از نظر نویسنده از قرار زیر هستند:

زنان همانطور که همگان مطلع هستند جرقه این قیام با کشته‌شدن ژینا (مهسا) امینی از سوی ماموران گشت ارشاد زده شد. نظر به اینکه اعتراضات به وجود و اقدامات گشت ارشاد در کشور، سالها بود که درون ایرانیان آزادپخواه را می‌آزرد این اقدام گشت ارشاد (بخوان کشتار)، بلافاصله واکنش‌های وسیع اجتماعی را به دنبال آورد.

پایه‌های این رژیم دیکتاتور بر ایدئولوژی شیعی غالی و بدعتی به نام ولایت مطلقه فقیه بنا شده است. در این ایدئولوژی پرخرافه و واپسگرای اسلامی (ولایت مطلقه فقیه)، زنان جنس دوم محسوب شده و از بسیاری از حقوق و فرصت‌ها محروم هستند. اما به دلیل حضور روزافزون زنان در عرصه‌های اجتماعی که در پی رشد تحصیلات و اندیشه اجتماعی مدرن در ایران پیش آمده است این نگاه ایدئولوژیک مواجه با انواع مقاومت از سوی زنان و حتی مردان جامعه شده است. گماردن گشت ارشاد برای دستگیری و آزار زنان، صحنه های رقت‌انگیزی را در جامعه ایجاد کرده و وجدان جمعی را زخمی و آزرده ساخته بود. به همین دلیل شاید بتوان گفت مهمترین موتور محرکه این قیام، همین زنانی بودند که با رشد رسانه‌های اجتماعی و تحصیلات و رسوخ ارزش‌های برابری‌خواهانه، به خودآگاهی رسیده بودند و دیگر حاضر به تحمل این ستم سیستماتیک و مزمن نبودند.

جوانان و نوجوانان

دیگر موتور محرکه این قیام فراگیر که مثل مورد قبلی، هیچ مرز قومی و مذهبی را نمی‌شناسد، همین نوجوانان و جوانان هستند. این قشر از جامعه ایران به شدت تحت تاثیر ارزش‌های دموکراتیک جهان مدرن هستند. جهان اجتماعی آنان فرسنگها با ایدئولوژی حاکم فاصله دارد و سبک زندگی کاملا متفاوتی نسبت به نرمهای مورد تایید حاکمیت دارند. از سوی دیگر به دلیل فساد سیستماتیک اقتصادی و سیاسی حاکمیت و عدم وجود برابری فرصت‌ها و حتی فقدان فرصت‌ها و ضعف رشد اقتصادی و ...، این قشر از جامعه به شدت ناامید و مستاصل شده است و معمولا چاره‌ای جز مهاجرت، اعتیاد یا ذوب‌شدن در فساد ندارند. این عوامل به علاوه بسیاری از عوامل دیگر خاص نوجوانان _ مثل سیستم آموزشی خفقان‌آور، محتوای آموزشی ناکارآمد و بی‌فایده، ستمهای سیستماتیک نظام به اقشار جوانتر که فاصله بیشتری با ارزش‌های حاکمیت دارند و روح آزادپخواهی در آنان هنوز زنده تر است _ باعث شده که این قشر از جامعه شدت و حدت و جویت بیشتری برای مبارزه با نظام دیکتاتوری داشته باشند.

نقش کلیدی کوردستان

کوردها به عنوان اقلیت مورد ستم در دهه‌های گذشته نقش بسیاری بزرگی در تداوم و حتی بروز این قیام داشتند. خود کورد بودن ژینا به علاوه سابقه مبارزاتی دیرین و جانانه‌ای که کوردها داشته‌اند و نیز وجود تشکل‌ها و انجمن‌های فعال و ریشه‌دار در کوردستان، این منطقه را به دژ مبارزاتی ایران علیه دیکتاتوری و پرچمدار دموکراسی‌خواهی تبدیل کرده و پیشگامی و نترسی کوردها در مبارزه رادیکال با این رژیم مستبد، بسیار موثر بوده است. البته ملیت‌ها و اقلیت‌های مذهبی دیگری هم در این مسیر نقش زیادی داشته‌اند، اما هیچکدام به اندازه‌ی کوردستان زمینه‌ساز و تداوم‌بخش مبارزات نبوده‌اند.

حمایت‌های جهانی

حمایت‌های جهانی بویژه ایرانیان خارج از کشور هم نقش برجسته‌ای در دادن روحیه و ایجاد خودباوری بیشتر برای تداوم مبارزه علیه رژیم سرکوبگر داشته و دارند. همانهایی که به دلیل فشارهای اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی، ناچار به ترک دیار خود و پناه‌بردن به غربت شده و از هر جهت داغدار ستمهای این ظالمان هستند.

نخبگان، سلب‌ریتی‌ها

نخبگان، سلب‌ریتی‌ها و بعضی اصناف همچون فرهنگیان هم به نوبه خود نقش به سزایی در تزریق خودباوری و روحیه مبارزه به مردم داشته‌اند. این افراد اعم از نخبه‌های علمی و فرهنگی و ورزشی، کمک شایانی به تداوم مبارزه و بخشیدن حس برحق‌بودن به مردم داشته‌اند و اتفاقا متحمل هزینه‌های بالایی هم شده‌اند و بسیاریشان در زندان هستند. البته بدون شک سنخ‌ها و اقشار دیگری هم در این قیام تاثیرگذار بوده‌اند اما از نظر نگارنده وزن هیچکدام به اندازه موارد مذکور نبوده و نیست.

اما جا دارد به سنخ‌های مقابل هم اشاره‌ای شود:

طرفداران ایدئولوژیک نظام

طرفداران ایدئولوژیک نظام مثل نظامیان اعم از سپاه و بسیج، نیروهای مذهبی و سنتی که البته قطعا در جریان این قیام به دلیل حجم توجیه‌ناپذیری بالای اقدامات و سرکوبهای حکومت، دچار ریزش‌های زیادی شدند هرچند به طور کلی اقلیت بسیار کمی را در جامعه تشکیل می‌دهند، اما بسیار مسلح و مورد حمایت نظام هستند و انجام هر جنایتی از سوی آنان بطور قطع از سوی نظام ماله‌کشی می‌شود.

اکثریت بی‌تفاوت

پاشنه آشیل جامعه ایران همین اکثریت محافظه‌کار و بی‌تفاوت هستند که هرچند به طور ضمنی مخالفت خود را با نظام ابراز می‌کنند اما حاضر به دادن هزینه یا ریسک کردن نیستند. اغلب این افراد دچار درماندگی خودآموخته شده‌اند و باوری به امکان تغییر در وضعیت موجود ندارند. این افراد در دلسردی دن مبارزان هم نقش به سزایی دارند و مدام بر طبل ناامیدی می‌کوبند. اغلب این افراد هم منافع مادی خود را تداوم وضع موجود می‌بینند و حاضر به پذیرفتن ریسک نیستند.

گروه‌های نیابتی نظامی و شبه‌نظامی

گروه‌های نیابتی شبه‌نظامی و نظامی مورد حمایت و تغذیه ایران و نیز کشورهای محافظه‌کار جهان بخش دیگری از این صف‌بندی می‌باشند. شاید بسیاری از ایرانیان با شنیدن موضع دولت آمریکا مبنی بر عدم تمایل به براندازی در ایران، به شدت سرخورده و خشمگین شدند اما متاسفانه واقعیت دارد. در حقیقت برهم‌خوردن آرایش منطقه‌ای کنونی، مطلوب نظام‌های سیاسی بسیاری از کشورها نیست و اینان حاضر نیستند اراده مردم مانده ایران برای ایجاد تغییر اساسی را به رسمیت بشناسند و غیر از چند تحریم نمادین کاری انجام دهند. از دیگر سو، شواهد و مشاهدات بسیاری هم دال بر استفاده از گروه‌های شبه‌نظامی نیابتی ایران _ همچون حزب الله و خود شعبی _ برای سرکوب قیام‌های ایرانیان وجود دارد که خود گویای دخالت خارجی برای سرکوب اراده مردم بی‌دفاع است.

البته پایداری مردم معترض در ایران و پشتیبانی مداوم ایرانیان خارج از کشور موجب تغییر اجباری سیاست غرب خواهد شد.

”سید گل سرخ، یک گل نصرانی

مارا ز سر بریده میترسانی؟

ما گز سر بریده میترسیدیم

در محفل عاشقان نمی رقصیدیم”

امپراتوری کهنسال کلنگی را به زور دگنگ به یک دولت–ملت بدل کردند



یوسف عزیزی بنی طرف

آسیب شناسی جنبش سراسری- يك نگاه سریع: امپراتوری کهنسال کلنگی را به زور دگنگ به يك دولت-ملت بدل کردند که در بهمن ۵۷ به گل نشست و باز همان اختار را با جایگزینی لایه‌هایی به جای لایه‌های دیگر بزک کردند که اکنون بار دیگر به بکسوات افتاده است. اما عده‌ای دوباره می خواهند با هُل و زور و فشار ، آن خودرو فرسوده مدل ۱۹۲۵ را روی جاده بیندازند. من هم مایل‌ام این خودرو دو باره راه بیفتد اما نه با آن موتور فگسنی بلکه با موتوری از مدل‌های امروز جهان. مردمان ایران در جنبش اخیر نسبتا خوب آمدند اما همین که راه افتادیم موانع و تنگ نظری‌ها در جبهه جنبش پدیدار شد. آذربایجان را که خوب آغاز کرده بود و در کنار شعارهای سراسری، شعار خاص خود می داد و با کوردستان همنوایی نشان می داد، دلسرد کردند چون در حالت مشابه دانشگاه‌های تبریز و شریف، اولی را نادیده گرفتند یا کمتر به آن پرداختند. شعارهای ترکی‌اش را سانسور کردند. در سازمان‌های سیاسی و حقوقی و رسانه‌های اصلی فارسی تا توانستند از دعوت اهل تخصص و خیره ترک خود داری کردند. و البته این را کمابیش در مورد عرب‌ها نیز اعمال کردند. آنان هیچگاه نیامدند به طور عمیق، موضوع عدم مشارکت گسترده عرب‌ها یا کاهش تظاهرات و اعتراضات آذربایجانی‌ها را طی دو هفته اخیر بررسی و تحلیل کنند. من البته در مصاحبه دیروزم با تلویزیون "کلمه" به تحلیل امر در باره عرب‌ها پرداختم. به کشتار بلوچان در روز جمعه ۳۰ سپتامبر گذشته در قیاس با دیگر رخدادهای ایران کم پرداختند و بهانه - البته - احتمال تجزیه این خطه بود؛ امری که هیچ دلایل منطقی پشتیبان آن نیست و جز راسیسم مذهبی و انتییکی نمی توان نامی بر آن گذاشت. از "زاهدان تا تهران.." شعار قشنگی است که البته مرهمی کافی برای زخم باز و ژرف جمعه سیاه بلوچستان نیست. عربستان اکنون وضعی دارد همچون قهر آذربایجان با جنبش‌های مرکزی پس از اول خرداد ۸۵ . عرب ها در داخل می گویند، هم در دی ۹۶ و هم در آبان ۹۸، در اهواز، آغازگر آن دو خیزش بزرگ در ایران بودند، و سهم‌شان در دومی بیش از ۲۰۰ کشته بود. نیز در اردیبهشت ۱۳۹۷ علیه نژاد پرستی صدا و سیما قیام کردند. آنان می گویند طی این ده سال برای حقوق آبی و حقوق ملی و حقوق کارگری خود بیش از هر ملتی در خیابان بودند اما کمترین حمایت را از مرکزنشیان دریافت کردند.در انتفاضه العطش در تیر ۱۴۰۰ نیز پشتیبانی درخوری از مرکز دریافت نکردند و اگر این یا آن سلب‌ریتی حمایتی کرد از خوزستان نام برد بی آن که نامی از "عرب" برند که دست کم هشت کشته دادند. یا در مورد متروپل عبادان نیز همچنان. به قول آنان تهران می رقصید و عبادان می گریست. گله عربستان، آذربایجان، بلوچستان جدی است. چهار محال و بختیاری هم بعد از اعتراضات اردیبهشت گذشته، و کشتن چند تن در جوققان و زندانی کردن رهبرشان حبیب فدایی، امروزه تحرکی ندارد. مرکز محوران جنبش در داخل و خارج باید به دغدغه‌های سیاسی این ملیت‌ها توجه کنند. در رسانه‌هایشان سرودهای همه این ملیت‌ها را به زبان خودشان پخش کنند. در تظاهراتشان در کشورهای خارجی به آنان اجازه دهند تا در کنار پرچم ایران، پرچم آذربایجان، کوردستان، اهواز و بلوچستان به اهتزاز در آید. گرچه این کار در پنج، شش شهر از مجموع يك‌صد و پنجاه شهر جهان صورت گرفته اما باید گسترش و تعمیم یابد. همه مایلیم که نظام فاشیسم مذهبی هر چه زودتر گورش را گم کند اما حاضر نیستیم دوباره سوار خودرو مدل ۱۹۲۵ شویم که راننده اش، باز هم منکر حاکمیت سیاسی و فرهنگی ما در مناطقمان باشد و ما را در ابتدا یا وسط راه از خودرو پیاده کند و یا زیر بگیرد. گفتنی است که بدون آذربایجان و عربستان و بلوچستان اساسا نمی توان پیروز شد. بدون زدایش یا دست کم کاهش عرب ستیزی و ترك ستیزی و بدون طرح شعار وحدت بخش "جمهوری فدرال دموکراتیک ایران" - که شعار حداقلی ملیت‌هاست و می تواند آلترناتیو مشخص باشد - گردآوردن ترك ها، عرب ها، بلوچ ها و بختیاری‌ها در این جنبش یا تضمین استمرار مشارکت آنان دشوار است. این بستگی به راننده و دیگر مالکان خودرو دارد که یا اوراق‌اش کنند یا موتورش را از جنس سوپس یا کانادا یا هند یا آمریکا دوباره بسازند. این رژیم رفتنی است اما با وجود آن چه رفت، مدتی طولانی خواهد کشید تا برود.

همزمان رشد شعور سیاسی در این نسل که به سادگی قادر به تجزیه و تحلیل مسائل است، زنان و جوانان و اقشار و طبقات دیگر جامعه را به خیابان آورده است.

یک ماه از آغاز اعتراضات می‌گذرد. این خیزش با دور انداختن حجاب اجباری و با شعار "زن، زندگی، آزادی" از کوردستان آغاز شد و بسیار زود خواستهای رادیکال و اساسی مردم در شعارهای دیگر که جوهر و سمبل‌های جمهوری اسلامی را هدف قرار می‌داد، تجلی یافت. شعارهای مردم ماهیت و موجودیت این رژیم را نشانه گرفته و هرسمبلی که نماد این حکومت باشد مورد هدف قرار می‌گیرد، از مجسمه خمینی گرفته تا بسیج و دیگر جیره خواران رژیم. اگر تداوم و گستردگی تظاهرات و فراگیر بودن آن در سراسر ایران یکی از ویژگی‌های این خیزش باشد، در میدان بودن زنان و دختران به عنوان موتور محرکه و پیشرو آن، شناسه‌ی دیگر این خیزش است. متفاوت از جنبشهای اعتراضی دو دهه‌ی گذشته، هیچ جناح رفرم طلب یا شخصیت رفرمیستی نتوانسته است بر این خیزش تأثیربگذارد و به نظر می‌رسد سناریوی رفرم در چارچوب جمهوری اسلامی پایگاه خود را از دست داده باشد. عدم وجود یک رهبر مشخص برای این جنبش از سویی جمهوری اسلامی را از کنترل سریع و تضعیف آن درمانده ساخته و از سوی دیگر شیوهی نوینی از جنبش اجتماعی را به منصه ظهور رسانده است که به سلسله مراتب ستونی نیاز ندارد تا از آن خط و دستور بگیرد، بلکه خواست و شعاری متحد در میان تشکلهای گوناگون وجود دارد که رهبری خیزش را به شیوهی افقی در بین همه تقسیم کرده‌است.

اتحاد و هم‌صدایی حول شعار "زن، زندگی، آزادی" وجود دارد که موجب گشته است ملیتها و تشکلهای گوناگون جامعهی ایران بدون آنکه ترسی از ازدست دادن خواسته‌های سیاسی یا اجندای سیاسی خود داشته باشند، این شعار را از آن خود بدانند. این بدین معنا نیست که کوردها یا دیگر تشکلهای این جامعه به خواسته‌های انتیکی و سیاسی خود پشت کنند. این مرحله به یک هم‌صدایی و فرم تازه‌ای از سیاست ورزی و تعامل نیاز دارد که بتواند هم در سطح یک گفتمان گسترده و با همه‌ی تشکلهای سیاسی و انتیکی گسترش یابد و هم بتواند پرچم خواسته‌های عادی را هم در اهتزاز نگه دارد.

محض یادآوری نیز مهم است که بدانیم کوردها دیر زمانی است که حقوق خود و دستبایی به آن را به وجود دموکراسی در مرکز و سراسر ایران گره زده‌اند، به همین دلیل نمی‌توان همه مسئولیت حفظ این گفتمان مشترک را تنها متوجه ملتی ساخت که دیری است حسن نیست خود را در این زمینه به اثبات رسانده و برای آن قربانی نیز داده است. بدون آنکه بخواهد آینده‌ی این خیزش را پیش‌بینی کنیم، می‌توانیم بگوییم که آنکه تا کنون موفق بوده جبهه‌ی مردم است. جمهوری اسلامی نه استراتژی یک‌دست و مؤثری برای برخورد با تظاهرات دارد و نه از طریق وعده و وعیده‌ایش توانسته‌است روند رویدادها را به انحراف بکشانند. این امر مسئولیت بیشتر و سنگین‌تری را متوجه‌ی جبهه‌ی ارگانیزه شده‌ی اپوزیسیون می‌سازد و سطح انتظارات از داخل و خارج از افزایش خواهد داد.

تجزیه؛ کدواژه مشترک اقتدارگرایان

خارج شود و این اصلی غیرقابل سازش و گریزناپذیر برای هر فردیست که بینشی منطقی و انسانی بر افکار او حاکم است. وظیفه ما تحکیم پیوند افقی جامعه و رهایی از یوغ ایدئولوژی‌هایی است که تحت لوای ارتجاعی صیقل‌یافته با واژه‌ها و تعابیر بدعت‌گرایانه در پی انحصار سیاست، فرهنگ و اقتصاد هستند. بنابراین هرگونه ادعایی که طرفی را بدون سند تاریخی و توضیحی منطقی، متعهدتر و مسئول‌تر نشان دهد؛ از اساس مردود خواهد بود. خوشبختانه میل به همزیستی در بین ملیت‌ها و مذاهب - با وجود تمام تبعیض‌ها و سیاست نفی و انکاری که دهه‌هاست بازگردان‌های متقلب را بر صحنه سیاسی مسلط ساخته - کم‌ا‌کان وجود دارد. در واقع جریاناتی که مدعی برقراری اتحاد گذشته هستند، این مفهوم را در سطح صوری آن تبیین می‌کنند و آن را تا حد تبعیت صرف تقلیل می‌دهند. حال اینکه اتحاد باید از یک همبستگی مینوی نشأت بگیرد و طرفین با رغبت و کمال میل همدیگر را بپذیرند. این همبستگی درست نقطه مقابل اتحادی است که سنگ بنای آن با بمباران لرستان و بلوچستان و لشکرکشی گذاشته شده و جمهوری اسلامی نیز عینا آن را در روزهای گذشته با توطئه در کوردستان و بلوچستان بازآفرینی کرد. این اتحاد متکی به قوه قهریه بوده و بیش از اینکه ما را به سمت همزیستی خودبسنده و درونی‌شده سوق دهد، در پی تحت انقیاد درآوردن جامعه و تسلط بر شئون اخلاقی و اجتماعی آن است. همین کافیت‌ت تا با تمام توان و با رجعت به اساس پاکرفتن حوزه عمومی آنها را مقابل اراده مردمانی مفروض داریم که توسعه همه‌جانبه را ورای ایدئولوژی قرار داده‌اند و آزادی بیان و هم‌آوایی را بر محدودسازی و سانسور و تگ‌صدایی ترجیح داده‌اند.

متمركز قرار می‌گیرند، در چنین کانتکسی گشت ارشاد می‌تواند ژینا را به جرم عدم تطابق با فرم از پیش تعیین شده‌ی آنان، بازداشت کرده و پس از آزار و شکنجه او را به قتل برساند.

همانگونه که ممنوعیت پوشش کوردی تنها دلیل قیام ملا خلیل نبود، به همان شیوه قتل ژینا و مسئله‌ی حجاب اجباری نیز تنها عامل خیزش اخیر مردم کوردستان و ایران نیستند. جامعه‌ی ایران دیر زمانی است که در بطن خود در حال جوش و خروش بوده و همچون بمبی آماده‌ی انفجار است. آن کسی که بر روی سنگ قبر ژینا نوشت: "ژینا جان تو نمی‌میری، نامت به سمبلی تبدیل خواهد شد" احتمالا هیچ گاه پیش بینی نمی‌کرد که نام ژینا مرز سقز و کوردستان ایران را درنوردد و نامی شود که در سطح جهان به رمزی برای مبارزه و مقاومت و آزادی‌خواهی و سرآغاز قیامی همه‌گیری علیه یکی از پلیدترین دیکتاتورهای معاصر تبدیل گردد، اما اگر به طور اتفاقی هم این جمله را نوشته باشد، سیر اتفاقات صحت آن را به اثبات رساند.

نسلی از جوانان و نوجوان پرانرژی، تحصیل کرده و آگاه در صف مقدم این خیزش قرار دارند، نسلی که علیرغم آنکه در سیستم آموزشی این رژیم پرورش یافته‌اند، با اندیشه‌ها و معیارهای جمهوری اسلامی فاصله‌ی بسیار دارند. این نسل نیک می‌داند که حاکمیت جمهوری اسلامی در چه بحرانی دست و پا می‌زند و در جامعه‌ی بین‌المللی تا چه اندازه منزوی است. آنها اطلاع دارند که به تاراج بردن ثروت و سامان کشور و هزینه کردن آن در راستای سیاستهای فرامرزی رژیم، مردم ایران را چگونه درگیر بحران‌هایی چون فقر، بیکاری، یک اقتصاد ضعیف و فروریخته کرده است. دختران و زنان ایران که در دانشگاهها اکثریت‌اند به خوبی می‌دانند که سیاست تبعیض چگونه آنها را از بازار کار و عرصه‌های سیاسی، فرهنگی و اقتصادی دور کرده است. همه‌ی این دلایل و

مقطع زمانی دیده نمی‌شود. پس ارائه دفاعیات در این باره ضرورتی ندارد، منطقی که این رویکرد دارد این است که برای مقوله‌ای که اساسا وجود ندارد؛ هیچ نیازی به رد یا اثبات دیده نمی‌شود. دقت داشته باشیم که مطرح کردن این اتهام تنها در سطح ادعا قابل واکاوی است و وجود عینی و خارجی ندارد و عقل

سلیم نمی‌پذیرد که برای یک ادعا دفاعیاتی از جنس برهان و ادله ارائه شود. بهترین و مستحکم‌ترین موضع در اینجا، این است که موقعیت خود را از "متهم" به مدعی تغییر داده و در دام بازی پروپاگاندا گرفتار نشویم. به عبارت دیگر به جای ارائه دفاعیات و سلب اتهام، طرف مقابل را به اثبات ادعایش فرخوانیم. از آنجایی که اطمینان کامل داریم منادیان تقیه‌پیشه میهن‌پرستی، توان اثبات ادعای خود را ندارند، چالشی را که از اساس متوجه خودشان است، پیش پای آنها قرار خواهیم داد. قطعاً باید ابتدا آنها ثابت کنند که در مقام مدعی‌العموم و مدافع میهن هستند تا مشروعیت بازخواست ما را داشته باشند، در غیر این صورت هیچ نیاز ملموسی وجود ندارد که ما خود را در جایگاه متهم مفروض داریم.

پرواضح است که همه ما در حالت برابر و طبیعی به یک اندازه ایرانی هستیم و این رقابت سیاسی ناسالم بوده‌که با تسلط یک جریان، به حذف و طرد دیگری منتهی شده است. پس این حفره‌های قاعده بازی و رقابت قدرت بوده که چنین وضعیتی را پدیدار ساخته، بنابراین تلاش به درجه نخست تغییر و تحول در صحنه سیاسی است. صحنه‌ای که یک سده کامل در انحصار دو ایدئولوژی قرار داشته و این دو برای حفظ



اواخر سال ۱۹۲۸ میلادی یک روحانی در مناطق حومه‌ی سردشت علیه سیاست شونیستی یکپارچه‌سازی رضاشاه پهلوی رهبری یک جنبش اعتراضی را بر عهده داشت. این روحانی ملا خلیل گوره‌مری بود و دلیل اصلی این جنبش نیز بر اساس منابع تاریخی ممنوعیت لباس کوردی و تحمیل و یکپارچه کردن پوششی بود که رضاشاه تصور کند با تحمیل یک شیوه‌ی مشخص پوشش یک ملت یکپارچه و قدرتمند را می‌تواند بنیاد بگذارد.

احتمالا لازم به پرسیدن نباشد که این سیاست تا چه اندازه موفق بود، مردم ایران هم سیاستهایش و هم خود پادشاهی وی را به تاریخ سپردند. حراست از لباس کوردی به عنوان بخشی از فرهنگ و هویت و زیر بار سیاست آسیمیلیسیون و یکپارچه‌سازی رضاشاه نرفتن، بخشی بود از یک جنبش بزرگتر که در مراحل و مناطق گوناگون کوردستان ایران سربرآورد.

هدف از این مقدمه کوتاه نشان دادن شباهت ماهیت توتالیتری دولت - ملت رضاشاه با ماهیت ایدئولوژیکی تمامیت خواهانه‌ی جمهوری اسلامی است. در هردو مورد یکپارچه‌سازی از پوشش و فرهنگ و زبان آغاز شده و به سیاست و حکمرانی منتهی شد. نهادهای دولت اعم از اداری یا خدماتی در خدمت یک سیستم نظارتی

روزه‌های گذشته مملو از رویدادهایی بود-که چفت و بست سازه‌های گفتمانی استبداد و در راس آن "دیگهراسی" با رمز تجزیه را متزلزل ساخت. روی دیگر سکه تجزیه، فویبای تقسیم قدرت است و این را اقتدارگرایان مستبد به خوبی می‌دانند. در واقع در تمامی این سال‌ها نگرانی خود از تقسیم قدرت را با فویبای تقسیم جغرافیا پنهان کرده‌اند. چنین رویکردی اگرچه هنوز کاملا ناکارآمد نیست، اما به شدت مستهلک شده و قابلیت آن در به‌کارگیری به عنوان ابزار استیلای تمام‌عیار سیاسی-ایدئولوژیک از دست رفته است.

جریاناتی که ذات دیگهراس خود را تحت نام‌های مختلفی همچون "ایران‌گرایی" مستتر کرده و دست به خلق واژه‌هایی بی‌معنی زده‌اند که هیچ جایی در ادبیات متعارف سیاسی ندارند. این جریانات بدون اینکه نیازی به اثبات ببینند، خود را نماینده میهنی جا زده‌اند که بنابر تعاریفشان فقط و فقط با تسلط کامل آن‌ها و حذف دیگران پایدار خواهد ماند. چنین نگرشی میهن یا سرزمین را به گروگان گرفته و جان و مال مردمان آن را ازان خود می‌داند.

چگونه باید به اتهام ساختگی جدایی‌خواهی واکنش نشان داد؟ نخست اینکه جدایی‌خواهی مانند هر خواسته دیگری "جرم" نیست، اما تاکنون همانطور که از شواهد و قرائن پیداست، هیچ نشانی از آن در بین انتیک‌های ساکن جغرافیای ایران حداقل در این



کیوان درودی

